

مبنای نظری برای انتخاب کتاب سال در حوزه ترجمه ادبی^۱

سمیه دل‌زنده‌روی
علی خزاعی‌فر

در این مقاله، نویسندگان با توجه به کارکردهای ترجمه ادبی، سه معیار کیفی تعریف می‌کنند که می‌تواند مبنای نظری برای داوران جایزه کتاب سال در بخش ترجمه ادبی باشد. این سه ملاک عبارت‌اند از: «افزودن بر تنوع و غنای ادبیات در فرهنگ فارسی»، «حفظ و تحکیم قابلیت‌های زبان فارسی و افزودن بر آن»، و «ارائه تصویری هرچه شبیه‌تر از متن اصلی در زبان فارسی». نویسندگان سپس به بررسی انتقادی «برگه داوری کتاب برگزیده سال جمهوری اسلامی ایران» می‌پردازند. این برگه توسط دبیرخانه خانه کتاب تهیه شده و برای ارزیابی ترجمه‌های ادبی منتشر شده در اختیار داوران قرار می‌گیرد.

۱. مقدمه:

تاکنون به نقش ترجمه در معرفی و شناساندن آثار ادبی کشورها در سطح جهانی بسیار توجه شده است. به‌عنوان مثال دمراش (۲۰۰۳، ص. ۶) معتقد است هر اثر ادبی از دو طریق پا به عرصه ادبیات جهانی می‌گذارد: اول اینکه به‌مثابه ادبیات خواننده شود دوم از طریق ترجمه؛ و نیز خوزه ساراماگو (اپل، ۲۰۰۷، ص. ۴۰) می‌گوید «نویسندگان با زبان‌شان ادبیات ملی را خلق می‌کنند و مترجمان با ترجمه‌هایشان ادبیات جهانی را».

بدیهی است ادبیات جهانی زمانی خلق می‌شود که مترجم، به تعبیر دنیل هان، «همچون متن اصلی نبض حیات در آن بدمد» که این امر خود جز با خلاقیت در ترجمه پدید نمی‌آید (روسی، ۲۰۱۸، ص. ۴۲). از طرف دیگر نقش ترجمه در شکل‌دهی نظام ادبی زبان مقصد و تنوع ادبی بیشتر در سخنان اون‌زوه‌ر تبلور یافته است. وی معتقد است ترجمه در نظام ادبی مقصد، حتی اگر به پیشنهادهای جدیدی برای زبان مقصد منجر نشود، به تحکیم قابلیت‌های زبان بومی کمک می‌کند (اون‌زوه‌ر، ۱۹۹۰، ص. ۴۵-۵۱). پاینده نیز در سخن از نسبت ترجمه ادبی با تولید ادبیات می‌گوید «ترجمه ادبی معمولاً مقوم و نوکننده ادبیات است».

(پاینده، ۱۳۹۸، ص. ۱۵). باتوجه به این مباحث و این نکته که اعطای جایزه‌های ادبی به ترجمه‌ها علاوه بر آنکه به سرمایه فرهنگی و نمادین اثر اصلی می‌افزاید (دال و سان، ۲۰۲۱، ص. ۶۴۲)، به مترجم و ناشر زبان مقصد (به‌خصوص در ایران) هم منفعت نمادین و اقتصادی می‌رساند (ر.ک منصفی و دیگران، ۲۰۲۱، ص. ۵۲)، معیارهای انتخاب ترجمه ادبی برای جایزه بهتر است مبتنی بر کارکردهای ترجمه ادبی در نظام ادبی زبان مقصد باشد. با در نظر گرفتن مباحث بالا نگارندگان سه کارکرد برای ترجمه ادبی پیشنهاد می‌کنند.

۲. معیارهای پیشنهادی برای داوری ترجمه ادبی

فرض بنیادین ما در بررسی اهمیت و ارزش ترجمه این است که باید نخست به کارکردهای بالقوه ترجمه ادبی توجه داشت، زیرا فقط در این صورت است که می‌توان دید هر ترجمه ادبی چقدر در کارکرد خود موفق بوده است. سه کارکرد عمده ترجمه ادبی عبارت است از:

۱. افزودن بر تنوع و غنای ادبیات در فرهنگ بومی
۲. حفظ و تحکیم قابلیت‌های زبان بومی و افزودن بر آن
۳. ارائه تصویری هرچه شبیه‌تر از متن اصلی در زبان بومی

کارکرد اول به انتخاب اثر برای ترجمه مربوط می‌شود. کارکرد دوم ناظر بر انتفاع زبانی است که از طریق ترجمه عاید زبان بومی می‌شود و کارکرد سوم بر حفظ اصالت و درستی و زیبایی متن اصلی ناظر است، ولی ارتباطی تنگاتنگ با دو کارکرد قبلی دارد چون اگر متنی به درستی و زیبایی به زبان بومی ترجمه نشود دو کارکرد قبلی هم چندان تحقق نمی‌یابد. در ادامه این سه کارکرد با تفصیل توضیح داده می‌شود.

۱-۲ افزودن بر تنوع و غنای ادبیات در فرهنگ بومی

بدیهی است تنوع و غنا در ادبیات بومی وقتی حاصل می‌شود که ادبیاتی غنی و متنوع از فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف ترجمه شود. ترجمه ادبیات در واقع باید عرصه ترجمه ادبیات جهانی باشد (ر.ک. کادرا و والش، ۲۰۲۲، ص. ۱-۲) و مترجمان با کتاب‌هایی که برای ترجمه انتخاب می‌کنند نقش عمده‌ای در جهانی‌کردن ادبیات ترجمه‌شده در فرهنگ بومی ایفا می‌کنند (الن و برنوفسکی در روسی، ۲۰۱۸، ص. ۴۸). اما در عمل، این کارکرد به دلیل موانع مختلف فرهنگی و اقتصادی و حتی سیاسی همیشه تحقق نمی‌یابد و آنچه برای ترجمه انتخاب می‌شود بیانگر تنوع و غنای ادبیات جهانی نیست. این نکته به‌خصوص در جامعه ایران اهمیت زیادی دارد چون در اینجا عوامل سیاسی و فرهنگی و اقتصادی ارتباط مستقیم با انتخاب کتاب برای ترجمه دارد. دلایل سیاسی گاه مانع از انتخاب کتابی برای ترجمه می‌شود.

ولی مهم‌تر از آن دیدگاه جامعه کتابخوان به آثار ادبی جهانی است که طبعاً متأثر از دیدگاه فرهنگی است. معمولاً مردم جامعه دیدگاه یکسانی به همه فرهنگ‌ها ندارند و برخی را برتر از برخی دیگر می‌دانند، چنان‌که فی‌المثل به گفته لارنس ونوتی ترجمه ادبیات خارجی در آمریکا چندان طرفدار ندارد (ونوتی، ۲۰۰۸) و حتی در فرانسه نیز، آن‌گونه که بوردیو تحقیق کرده است ادبیات خارجی را ناشران کوچک و خرده‌پا ترجمه و چاپ می‌کنند (بوردیو، ۱۹۹۱). ایران هم از این قاعده مستثنی نیست ولی کم‌وکیف این دیدگاه فرهنگی به ادبیات جهانی موضوعی است که باید به‌طور دقیق‌تر درباره آن تحقیق شود.

آنچه اجمالاً به‌یقین می‌دانیم این است که در آغاز دوره جدید ترجمه در ایران معاصر، ترجمه آثار ادبی عمدتاً از زبان فرانسه صورت می‌گرفت چون بیشتر مترجمان آن دوره با زبان فرانسه آشنایی داشتند. بعدها مترجمان از زبان‌های دیگر هم ترجمه کردند چون حتی اگر مترجمان زبان اصلی اثر را بلد نباشند در صورت تمایل، می‌توانند از زبان میانجی ترجمه کنند، کم‌اینکه در ایران این کار را در خصوص آثار آلمانی و روسی و ایتالیایی کرده‌اند. مسئله اصلی این است که مترجمان آثار ادبی آن فرهنگ را درخور ترجمه ببینند و بخواهند آن را ترجمه کنند. به نظر می‌رسد در ایران تمایلی آشکار و قوی به ادبیات غربی وجود داشته و دارد، هرچند که در سال‌های اخیر تمایلی محسوس به آثار ادبی فرهنگ‌های دیگر هم دیده می‌شود ولی سلسله‌مراتب همچنان وجود دارد. برای مثال دیدگاه مترجمان ایرانی به دو فرهنگ چینی و ژاپنی یکسان نیست. برخی مترجمان ممکن است بخواهند، ولو از طریق زبان میانجی انگلیسی، آثاری ادبی از ژاپنی به فارسی ترجمه کنند ولی چنین تمایلی برای ترجمه آثار ادبی چین چندان قوی نیست. نمونه دیگر، ترجمه ادبیات آمریکای لاتین است. قبل از اینکه رمان صد سال تنهایی گابریل گارسیا مارکز در غرب سروصدایی راه بیندازد و به جوایز جهانی^۲ دست یابد، مترجمان ایرانی استقبال چندانی از ادبیات آمریکای لاتین نکرده بودند و اساساً این فرهنگ را علی‌رغم گستردگی و غنای آن نمی‌شناختند. بنابراین نمی‌توان گفت که ترجمه این اثر به فارسی در ۱۳۵۳ و به قلم بهمن فرزانه انتخاب هوشمندانه‌ای از سوی مترجم بوده است، چون مترجم، که آن را از زبان ایتالیایی هم ترجمه کرده، در واقع از سلیقه جامعه کتابخوان غرب در انتخاب کتاب تبعیت کرده و معرفی مارکز به خواننده ایرانی را نمی‌توان کاملاً موهون تلاش او دانست. نیز وقتی که ترجمه این اثر به زبان انگلیسی آنچنان شهرتی در جامعه غرب به راه انداخته بود طبعاً ترجمه و چاپ آن در ایران با خطر عدم اقبال از سوی خوانندگان هم روبه‌رو نبود. مترجمان بعدی ایران از جمله عبدالله کوثری که سراغ دیگر آثار ادبی و نویسندگان کمتر شناخته‌شده آمریکای لاتین رفتند انتخابشان بیشتر با خطر عدم اقبال روبه‌رو بود تا انتخاب کتاب صدسال تنهایی که در هنگام ترجمه از هر اثر ادبی غربی در غرب

شناخته شده تر بود.

البته عامل اقتصادی هم در انتخاب کتاب بسیار دخیل است. نشر در بهترین صورت، فعالیت اقتصادی فرهنگی است و نه فعالیتی فرهنگی اقتصادی چون اگر ناشر نتواند سرمایه اش را برگرداند نمی تواند به کارش ادامه بدهد و ناشران ادبی معمولاً پولشان را در زمینه ای سرمایه گذاری می کنند که ریسک نداشته یا ریسک کمتری داشته باشد و آن انتشار ترجمه هایی است که یا نویسنده آن مشهور و پیش تر کتاب هایی از او چاپ شده و یا اینکه از آن کتاب در غرب استقبال شده است (ر.ک منصفی و دیگران، ۲۰۲۱، ص. ۵۲-۷۰). ناشران معمولاً به مخاطبان خود هم توجه دارند؛ یعنی ترجیح می دهند به جای ترجمه آثاری که مخاطبان نخبه و محدود دارد آثاری ترجمه کنند که مخاطبان وسیع تری دارند و بدین ترتیب بر تنوع ادبیات بومی بیفزایند.

نکته هایی که گفته شد لزوماً در خصوص نظام ترجمه در ایران صدق نمی کند. چنان که ذکر شد برای ارائه تصویر دقیقی از کم و کیف آثار ادبی ترجمه شده در ایران و عوامل مؤثر در انتخاب کتاب برای ترجمه به تحقیقی مبسوط و خاص نیاز است؛ ولی آنچه گفته شد نکته هایی کلی است که در هر جامعه ممکن است برخی از آنها برجسته تر باشد و در انتخاب کتاب تأثیر بگذارد. بنابراین اولین کارکرد ترجمه افزودن بر تنوع و غنای ادبیات در فرهنگ بومی است و این امر وقتی تحقق می یابد که مترجمان خود را به فرهنگی خاص محدود نکنند و کتاب هایی از فرهنگ های مختلف ترجمه کنند. در بررسی ارزش و اهمیت ترجمه نیز بررسی این کارکرد بسیار اهمیت دارد و نمی توان ترجمه ای را صرفاً به دلیل دو کارکرد دیگر آن واجد ارزش دانست.

۲-۲ حفظ و تحکیم قابلیت های زبان بومی و افزودن بر آن

در این کارکرد دو واژه «حفظ» و «تحکیم» بیانگر معیار حداقلی و تعبیر «افزودن بر قابلیت های زبان فارسی» معیار حداکثری در قضاوت درباره ارزش و اهمیت زبان ترجمه است. به عبارت دیگر، اگر ترجمه ای به قابلیت های زبان فارسی نمی افزاید و پیشنهاد های زبانی جدیدی نمی دهد، دست کم باید زبان فارسی را حفظ کند و تحکیم بخشد و به زبانی پر از رنگ و بوی ترجمه و گرت برداری های ناشی از ناتوانایی مترجم در بهره برداری از امکانات زبان بومی نوشته نشود. بدیهی است تحت اللفظی ترجمه کردن به هر بهانه ای، از جمله حفظ سبک (خزاعی فر، ۱۳۹۶، الف، ۱۳۹۷، ب)، یا به دلیل ناتوانی در خلق زبانی ادبی، مترجم را به زبانی ادبی و درخور زبان کتاب یا در سطح زبان ادبی فارسی نمی رساند.

بنابراین حداقل انتظار از زبان ترجمه ادبی حفظ و تحکیم زبان فارسی است. تحقق همین معیار حداقلی هم چندان ساده نیست و مستلزم تسلط مترجم بر زبان و ادبیات فارسی است.

اما دشواری واقعی وقتی آغاز می‌شود که مترجم مجبور است دست به خلاقیت زبانی بزند و راه‌های جدیدی در زبان و بیان ادبی باز کند. می‌دانیم که زبان همه آثار ادبی از درجه دشواری معینی برخوردار نیست. بسیاری از آثار ادبی را می‌توان بدون نیاز به تخیل زبانی ترجمه کرد. کافیهست مترجم به قابلیت‌های زبان فارسی مسلط باشد. در این صورت می‌تواند آن ملاک حداقلی را تحقق ببخشد. ولی برخی آثار ادبی چنین نیستند و در زبان خود هم آثاری خلاق به حساب می‌آیند. ترجمه این آثار علاوه بر تسلط زبانی به خلاقیت زبانی هم نیاز دارد و البته منظور از خلاقیت زبانی ترجمه تحت‌اللفظی نیست؛ بلکه یافتن زبانی بینابین است که در فارسی بدیع به حساب آید و مقبول اهل زبان باشد. چنین گفت زردشت ترجمه داریوش آشوری شاید نمونه‌ای از این نوع ترجمه باشد (خزاعی فر و آشوری، ۱۳۹۶، ص ۳۶-۳۷). همچنین ترجمه استاد پترزبورگ^۳ به قلم محمدرضا ترک‌تتاری را شاید بتوان نمونه‌ای از ترجمه حداقلی دانست؛ حال آنکه نه زبان متن اصلی دارای ویژگی‌های خاص و نه زبان ترجمه آن از حد متعارف ترجمه ادبی فراتر رفته است.

بدین ترتیب ملاک دوم به دو نوع حداقل و حداکثر تقسیم و گفته شد اگر ترجمه‌ای ملاک حداقل را تحقق بخشیده، چیزی بر داشته‌های زبان فارسی نیفزوده، اما از داشته‌های آن کم هم نکرده است. ولی اگر ترجمه‌ای ملاک حداکثر را تحقق ببخشد، در زبان فارسی، به تشخیص اهل نظر، خود متنی دارای ارزش ادبی به حساب می‌آید، چون بر داشته‌های زبان فارسی افزوده است. بدیهی است ترجمه‌ای که در آن زبان فارسی درست به کار رفته واجد ارزش است ولی مستحق دریافت جایزه برتر نیست چون در این صورت «برتری» معنی پیدا نمی‌کند.

۳-۲ ارائه تصویری هرچه شبیه‌تر از متن اصلی در زبان بومی

ملاک سوم ارائه تصویری هرچه شبیه‌تر از متن اصلی در زبان بومی است. برای بررسی این ملاک لازم است ترجمه با متن اصلی مقابله شود و هر نوع داوری درباره ارزش ترجمه بدون رجوع به اصل آن ابتر است. می‌دانیم که مترجمان گاه، در بهترین حالت، چیزهایی جزئی (به دلیل تفاوت‌های فرهنگی و زبانی) به ترجمه می‌افزایند یا از ترجمه حذف می‌کنند. افزودن یا کاستن گاه ناشی از ناتوانی مترجم در بازآفرینی آنهاست و گاه ناشی از ذوق زبانی مترجم. نیز می‌دانیم که ترجمه، به خصوص ترجمه ادبی، هنر بازآفرینی متن اصلی است که مستلزم خلاقیت زبانی است چون مترجم در بسیاری از مواقع تعبیرهایی را منتقل می‌کند که معادلی در زبان بومی ندارند و باید شبیه‌ترین معادل را بیابد یا خلق کند. همچنین می‌دانیم که ترجمه یعنی یافتن «شبیه‌ترین» معادل (نایدا، ۱۹۶۴) و نه لزوماً معادل «دقیق»، چون معادل «دقیق» یا ممکن است وجود نداشته باشد یا لازم نباشد. بنابراین سخن از «خیانت» کردن به اتهام

«دقیق» نبودن همیشه ملاک خوبی برای داوری به دست نمی‌دهد. کار داور، که لزوماً خود دستی در ترجمه دارد، تشخیص این نکته است که آیا مترجم، با توجه به متن اصلی، توانسته شبیه‌ترین معادل را بیابد یا خیر.

مشابهت در دو سطح اتفاق می‌افتد: معنایی و سبکی. منظور از شباهت، شباهت صوری و در سطح خرد نیست، بلکه در سطح کلان است، یا آنچه خزاعی فر (۱۳۹۶، ص ۵) تعادل سبکی میان دو متن مبدأ و مقصد می‌نامد. به اعتقاد خزاعی فر، سبک نویسنده «قابل انتقال» نیست، بلکه باید «سبکی شبیه به آن در زبان مقصد» خلق کرد و ارزش زبانی هر ترجمه به کیفیت این خلق بستگی دارد. بنابراین، منظور از شباهت میان متن مبدأ و مقصد، در واقع شباهت در دو سطح است: معنا و سبک. برای بررسی شباهت دو متن در سطح معنا لازم است متن ترجمه با متن اصلی مقابله و حذف‌ها و اضافه‌های بی‌دلیل بررسی شود.

برای بررسی شباهت در سطح سبک لازم است داور به تأثیر سبک در سطح کلان متن توجه کند و ببیند آیا شباهت و هم‌سنگی میان سبک دو متن وجود دارد یا خیر. چنان‌که پیش‌تر گفته شد، شباهت سبکی شباهت صوری نیست، بلکه سبک ترجمه ادبی باید از همان ویژگی‌های زیبایی، یکدستی، انسجام، ارزش زبانی و تأثیر نهایی برخوردار باشد که متن اصلی. هدف از ارائه طرح فوق این است که برگزارکنندگان جایزه کتاب سال ملاک‌هایی عینی و جامع برای انتخاب بهترین ترجمه در اختیار داوران خود بگذارند. بدیهی است داوران ترجمه باید خود اهل قلم باشند تا بتوانند بنابر ذوق زبانی و تسلط به زبان و ادبیات فارسی، خلاقیت‌های زبانی را درک کنند. اما داوری را نمی‌توان صرفاً به ذوق این افراد واگذار کرد، بلکه ارائه مستدل ملاک‌هایی عینی و جامع برای تشخیص می‌تواند به کیفیت این داوری‌ها کمک کند.

۳. ارزیابی انتقادی برگه داوری جایزه کتاب سال

براساس مبانی نظری که در بالا ترسیم شد، در این بخش به بررسی انتقادی «برگه داوری کتاب برگزیده سال جمهوری اسلامی ایران» می‌پردازیم. این برگه توسط دبیرخانه خانه کتاب تهیه شده و برای ارزیابی ترجمه‌های ادبی منتشرشده در اختیار داوران قرار می‌گیرد و از داوران می‌خواهد که برای هر عنوان دلایل و مستندات خود را بنویسند و به هر عنوان جداگانه نمره بدهند و حاصل جمع نمره‌ها برنده جایزه را تعیین می‌کند. لازم به ذکر است که خانه کتاب برای بررسی انواع کتاب برگه‌های داوری جداگانه‌ای طراحی کرده که همگی در چهار بخش اصلی با یکدیگر مشابهند و تفاوت آنها در امتیازهای تخصیص داده‌شده به هر شاخص است. هم‌چنین در بخش اول برگه داوری ترجمه آثار کودکان به جای «میزان تأثیر در رفع نیاز مخاطب»، گزاره «ناظر به نیازهای علمی فرهنگی مخاطبان داخلی باشد» و به جای «جایگاه

علمی اثر)، گزاره «کتاب مروج نکات منفی فرهنگ بیگانه نباشد» قرار دارد. برگه موردنظر ما در اینجا ویژه داوری ترجمه ادبی است که در بخش «رعایت اصول ترجمه» یک شاخص بیش از دیگر فرم‌های ارزیابی ترجمه دارد و آن «معرفی کتاب و مؤلف، مقدمه مترجم» است. در ادامه به بررسی این چهار بخش می‌پردازیم:

فرم داوری ترجمه ادبی - جایزه کتاب سال

۱. اهمیت موضوع کتاب و ضرورت ترجمه آن			
موضوع	حداکثر امتیاز	امتیاز شما	توضیح:
الف) میزان تأثیر در رفع نیاز مخاطب	۸		
ب) تازگی و بداعت موضوع	۸		
ج) جایگاه علمی اثر	۷		
د) ارتقاء سطح فرهنگ ملی و اسلامی	۷		
۳. عدم تعارض با اصول اخلاق و ارزش‌های دینی			
عدم تعارض با اصول اخلاق و ارزش‌های دینی	۱۰		توضیح:
۲. رعایت اصول ترجمه			
الف) انطباق با متن اصلی	۵		
ب) استفاده از معادل‌های مناسب	۵		
ج) رعایت یکدستی در کاربرد اصطلاحات	۵		
د) تناسب نثر ترجمه با سبک مؤلف و موضوع کتاب	۵		
ه) نوآوری در واژه‌گزینی معادل‌ها	۵		
و) شیوایی و رسایی ترجمه	۵		
ز) برگردان از زبان اصلی	۳		
ح) برگردان از آخرین ویراست	۳		
ط) معرفی کتاب و مؤلف، مقدمه مترجم	۴		
۳. رعایت اصول نگارش و ویرایش زبان فارسی			
الف) نشانه‌گذاری و رعایت یکدستی در رسم الخط مصوب	۳		

		۳	ب) رعایت قواعد دستوری و نگارشی
		۲	ج) تنظیم پانویست‌ها و یکدستی ارجاع و استناد
		۲	د) فهرست‌های موردنیاز و واژه‌نامه
۴. ویژگی‌های ظاهری کتاب			
		۲	الف) صفحه‌آرایی
		۲	ب) طراحی جلد
		۲	ج) نوع حروف
		۲	د) قطع و نوع کاغذ
		۲	هـ) چاپ و صحافی

اهمیت موضوع کتاب و ضرورت ترجمه آن. مؤلفه‌های چهارگانه این بخش از این قرار است: الف) میزان تأثیر در رفع نیاز مخاطب؛ ب) تازگی و بداعت موضوع؛ ج) جایگاه علمی اثر؛ د) ارتقاء سطح فرهنگ ملی و اسلامی. دو مؤلفه اول هرکدام حداکثر هشت و دو مؤلفه بعدی هرکدام حداکثر هفت امتیاز دارد، بنابراین هر ترجمه ادبی می‌تواند در نهایت سی امتیاز از مجموع صد امتیاز این بخش کسب کند.

در طرح سه‌بخشی پیشنهادی ما نیز یک بخش به اهمیت انتخاب اثر برای ترجمه اختصاص یافته است ولی با توجه به اینکه ترجمه ادبی را داوری می‌کنیم، و نه هر ترجمه یا کتاب دیگر، لازم است به کارکرد خاص ترجمه ادبی (افزودن بر تنوع و غنای ادبیات در فرهنگ بومی) توجه داشت. علاوه بر این، تبدیل امری کیفی، یعنی ارزش انتخاب اثری ادبی برای ترجمه، به امری کمی، یعنی دادن نمره از یک تا هشت، کاری دشوار است و از عینیت بالایی برخوردار نیست. پیشنهاد ما این است در این بخش مؤلفه‌هایی مطرح کنیم که اولاً موضوعیت دارند و با کارکرد ترجمه ادبی در فرهنگ مقصد مرتبطند و ثانیاً نقشی هدایتگر دارند و می‌توانند ذهن داوران را متوجه کارکرد ترجمه ادبی بکنند. باین ترتیب، براساس آنچه درباره کارکرد ترجمه ادبی در فرهنگ مقصد گفتیم، مؤلفه‌های زیر پیشنهاد می‌شود تا داوران با عنایت به آنها، یکی از چهار گزاره زیر را انتخاب کنند:

ترجمه ادبی مذکور از حیث ادبی،

الف. ضرورت نداشته است.

ب. ضرورت خاصی نداشته است.

ج. ضرورت داشته است.

د. انتخابی بسیار ضروری، هوشمندانه بوده و با خطر عدم اقبال از سوی جامعه مخاطب روبه‌رو بوده است.

به اعتقاد ما، ملاک «افزودن بر تنوع و غنای ادبیات در فرهنگ بومی» ملاکی تعیین‌کننده و بازدارنده است به این معنی که اگر انتخاب کتابی برای ترجمه ضرورت چندانی نداشته باشد در این صورت هرچند هم ترجمه آن خوب باشد نمی‌توان آن را ترجمه‌ای ارزشمند دانست چون، چنان‌که گفتیم، یکی از کارکردهای اصلی ترجمه ادبی افزودن بر تنوع و غنای ادبیات در فرهنگ بومی است و اگر ترجمه‌ای این مهم را محقق نسازد طبعاً فاقد این کارکرد خواهد بود. بدین ترتیب اعمال این ملاک حکم غربالگری اولیه را خواهد داشت و فقط ترجمه‌هایی به مرحله بعدی راه می‌یابند که انتخاب آنها برای ترجمه از منظر داور کارشناس ضروری (ج یا د) تشخیص داده شود.

و اما مؤلفه‌های انتخاب اثر برای ترجمه. مؤلفه‌های پیشنهادی خانه کتاب بسیار کلی است و کمک چندانی به داور نمی‌کند. مثلاً مؤلفه اول، «میزان تأثیر در رفع نیاز مخاطب»، بیشتر در حوزه علوم مفید است زیرا در این حوزه نیاز به کتابی خاص در رشته‌ای خاص را می‌توان تعیین کرد. در حوزه ادبیات نیاز را باید خلق کرد و انتخاب یک اثر متفاوت می‌تواند راهی جدید در تولید ادبی در فرهنگ مقصد بگشاید. مؤلفه دیگر «جایگاه علمی اثر» است که در خصوص آثار ادبی چندان موضوعیت ندارد، زیرا ای‌بسا اثری از فرهنگی مهجور بیشتر از پرفروش‌ترین آثار بتواند به ارتقای ادبیات بومی کمک کند. با این ترتیب، با هدف هدایت ذهن داور به سوی ملاک‌هایی مرتبط با کارکرد ترجمه ادبی که ممیز ترجمه ادبی ارزشمند از ترجمه ادبی معمولی یا غیرارزشمند باشد، مؤلفه‌های زیر را پیشنهاد می‌کنیم:

۱. اثر انتخاب‌شده به تصدیق منتقدان ادبی در فرهنگ مبدأ ارزش ادبی بالایی داشته است.
۲. اثر انتخاب‌شده در فرهنگ مقصد نمونه چندانی نداشته و لذا باعث تنوع فرهنگی و ادبی در فرهنگ مقصد می‌شود.
۳. انتخاب اثر برای ترجمه مستلزم پذیرش مخاطره عدم اقبال از سوی مخاطبان بوده است.
۴. (در مورد ترجمه‌های مجدد) اثر انتخاب‌شده با نگاه و سبکی متفاوت ترجمه شده است.

عدم تعارض با اصول اخلاق و ارزش‌های دینی. این بخش هم حداکثر ده از صد امتیاز را دارد. این ملاک کاملاً زائد و بی‌ربط است. زائد از این جهت که در ایران لازمه گرفتن مجوز انتشار کتاب، عدم تعارض با اصول اخلاق و ارزش‌های دینی است. بنابراین همه ترجمه‌های ادبی به‌ناچار این ویژگی را دارا هستند. و بی‌ربط از این جهت که از ترجمه ادبی انتظار می‌رود کارکرد ادبی، و نه لزوماً دینی، داشته باشد. از این گذشته، مصادیق «اخلاق» از منظر ادبیات و

دین لزوماً یکسان نیست. از منظر دینی مصادیق اخلاق ممکن است به کلمه‌هایی خاص محدود باشد حال آنکه از منظر ادبی اخلاق از حد واژگان فراتر رفته و مفاهیم را دربرمی‌گیرد. رعایت اصول ترجمه. اجزای این بخش و امتیازات مربوطه عبارت است از: ۱) انطباق با متن اصلی (پنج امتیاز؛ ۲) استفاده از معادل‌های مناسب (پنج امتیاز؛ ۳) رعایت یکدستی در کاربرد اصطلاحات (پنج امتیاز؛ ۴) تناسب نثر ترجمه با سبک مؤلف و موضوع کتاب (پنج امتیاز؛ ۵) نوآوری در واژه‌گزینی معادل‌ها (پنج امتیاز؛ ۶) شیوایی و رسایی ترجمه (پنج امتیاز؛ ۷) برگردان از زبان اصلی (سه امتیاز؛ ۸) برگردان از آخرین ویراست (سه امتیاز) و ۹) معرفی کتاب و مؤلف، مقدمه مترجم (چهار امتیاز). لازم به ذکر است امتیازهای در نظر گرفته شده برای این بخش در موارد ۱ تا ۷ نسبت به دیگر فرم‌های داوری ترجمه کمتر است (در فرم‌های دیگر این بخش شش (متون علمی) و هفت (کتاب کودکان و کتاب‌های عمومی) امتیاز دارد).

از موارد فوق، (۲) و (۳) و (۵) و (۸) بیشتر در ترجمه متون علمی اهمیت دارد تا ادبی. سایر موارد در ارزیابی ترجمه ادبی مدخلیت و اهمیت دارد ولی امتیاز تخصیص داده شده بسیار ناچیز است. برای مثال، به دو ویژگی «انطباق با متن اصلی» و «تناسب نثر ترجمه با سبک مؤلف» هر کدام پنج از صد امتیاز اختصاص داده شده و نیز دو ویژگی «برگردان از زبان اصلی» و «معرفی کتاب و مؤلف و مقدمه مترجم» اگرچه در ترجمه ادبی اهمیت دارد اما نقش بازدارنده ندارند، یعنی نمی‌توان ترجمه‌ای ادبی را به‌صرف اینکه از زبانی غیر از زبان اصلی ترجمه شده و یا اینکه مترجم بر ترجمه‌اش مقدمه‌ای نوشته از گردونه رقابت خارج کرد. چنان‌که گفته شد، در بررسی ارزش ترجمه ادبی، مهم‌ترین سؤال این است که آیا مترجم توانسته «شبهه‌ترین» متن به متن اصلی را از لحاظ معنایی و سبکی در زبان مقصد خلق کند یا خیر.

رعایت اصول نگارش و ویرایش زبان فارسی. این بخش دارای چهار جزء و در مجموع ده امتیاز دارد: ۱) نشانه‌گذاری و رعایت یکدستی در رسم الخط مصوب؛ ۲) رعایت قواعد دستوری و نگارشی؛ ۳) تنظیم پانوشته‌ها و یکدستی ارجاع و استناد؛ ۴) فهرست‌های مورد نیاز و واژه‌نامه. در اینجا نیز برخی ویژگی‌های ذکر شده یعنی موارد (۳) و (۴) بیشتر برای متون علمی صادق است. اما، به‌طور کلی، «رعایت اصول نگارش و ویرایش زبان فارسی»، بسیار اهمیت دارد. در واقع فرض بر این است مترجم ادبی با این اصول آشناست و آنها را رعایت می‌کند چون ترجمه ادبی شاید دشوارترین و خلاقانه‌ترین نوع متن باشد. لذا مترجمی که این اصول را بی دلیل نقض می‌کند معلوم است که صلاحیت ترجمه ادبی ندارد. حال فرض کنیم مترجمی این اصول را رعایت نکرده در این صورت فقط امتیاز مربوط به این بخش

حداکثر ده امتیاز) از دست می‌دهد، حال آنکه چنین مترجمی اساساً صلاحیت ترجمه ادبی ندارد.

ویژگی‌های ظاهری کتاب. اجزای این بخش عبارت‌اند از (۱) صفحه‌آرایی؛ (۲) طراحی جلد؛ (۳) نوع حروف؛ (۴) قطع و نوع کاغذ، (۵) چاپ و صحافی. بدیهی است ویژگی‌های گفته‌شده هم ارتباطی با کارکرد ترجمه ادبی ندارد و نمی‌تواند دلیلی بر برتری ترجمه‌ای از ترجمه‌ای دیگر باشد.

۴. نتیجه‌گیری

به‌طور خلاصه، در طرح پیشنهادی ما سه ملاک عمده برای ارزیابی ترجمه ادبی براساس کارکردهای ترجمه ادبی پیشنهاد شده است. ملاک اول، «افزودن بر تنوع و غنای ادبیات در فرهنگ بومی»، در برگه ارزیابی کتاب هم مطرح شده ولی اجزای آن به‌درستی توصیف نشده است. ملاک دوم، «حفظ و تحکیم قابلیت‌های زبان بومی و افزودن بر آن»، اصلاً در برگه ارزیابی نیامده است. ملاک سوم هم «ارائه تصویری هرچه شبیه‌تر از متن اصلی در زبان بومی» است و شامل شباهت‌های معنایی و سبکی می‌شود در برگه ارزیابی به‌صورتی ناقص مطرح شده است. ولی نقص عمده برگه ارزیابی این است که ارزیابی را به دادن امتیاز به ویژگی‌های مختلف وابسته کرده حال آنکه مبنای تعیین امتیاز برای این ویژگی‌ها روشن نیست. در طرح پیشنهادی ما ملاک‌های داوری کمی نیست و کیفی است، و از آن گذشته، ملاک‌های سه‌گانه پیشنهادی براساس کارکردهای ترجمه ادبی طراحی شده است، ضمن اینکه اولین ملاک که انتخاب کتاب مناسب برای ترجمه است ملاکی بازدارنده است.

منابع

- پاینده، حسین (۱۳۹۸). ترجمه ادبی و نسبت آن با تولید ادبیات. فصلنامه مترجم، ۲۷ (۶۷)، ص ۲۰-۷. خانه کتاب (۱۳۹۷). آینه دوران، تهران: خانه کتاب، ج ۲۱.
- منصفی، رویا، یل شرز، رضا و سلمان‌پور، علی. (۲۰۲۱). ترجمه ادبیات غرب در ایران: معیارهای ناشران ایرانی برای گزینش و انتشار آثار ادبی. فصلنامه مطالعات ترجمه ایران، ۱۸ (۷۱). ۷۰-۵۲.

Appel, A. M.. (2007) "Out of the Shadows: Unionizing in Rome." *The ATA Chronicle* 36(10)pp. 38-44.

Bourdieu, P. (1991). *Language and Symbolic Power*. Cambridge: Polity Press.

Cadera, S. M., & Walsh, A. S. (2022). "Chapter 1 Retranslation and Reception – a Theoretical Overview". In *Retranslation and Reception*. Leiden, The Netherlands: Brill. doi: https://doi.org/10.1163/9789004517875_002.

- Dahl, A. & Svahn, E. (2021). The consecration of languages through translation awards in Sweden (1970–2015). *Meta*, 66(3), 642–664. <https://doi.org/10.7202/1088354ar>.
- Damrosch, D. (2003). *What is World Literature?* Princeton NJ: Princeton University Press.
- Even-Zohar, I. (1990). The position of translated literature within the literary polysystem. *Poetics Today*, Vol. 11, No. 1, Polysystem Studies (Spring, 1990), pp. 45-51.
- Rossi, C. (2018). “Literary Translation and Disciplinary Boundaries: Creative Writing and Interdisciplinarity”. In K. Washbourne, & B.

^۱ روایت کامل تری از این مقاله در مجله مطالعات ترجمه (شماره ۸۱، بهار ۱۴۰۲) چاپ شده است.

^۲ جایزه فرانسوی بهترین کتاب خارجی (۱۹۶۹) و جایزه بین المللی رومولو گالگوس (۱۹۷۲)

^۳ برنده جایزه ادبی ابوالحسن نجفی در ۱۳۹۹